



## بازتعریف شکست

# عامل بازدارندهٔ تقلب است

اصغر خلیلی



دکترای مدیریت دولتی گرایش تطبیقی

یا بازآفرینی ذهنی از رفتار، پس از شکست، فرد را بر این می‌دارد که مسیری میانبر و به‌ظاهر قطعی را انتخاب کند و این جدال نابرابر و سوسهٔ استفاده از تقلب را پیشنهاد می‌دهد. دایرهٔ تجربهٔ کودکان بسیار محدود است، ولی بار عاطفی آن‌ها بسیار وسیع است. اولیا باید به‌گونه‌ای عمل کنند که در مواجههٔ کودک با شکست، علل شکست را برای او تبیین کنند و شجاعت روبه‌رو شدن با ناکامی‌ها را آموزش دهند. اگر تأویل و تفسیر رفتار شما با واژگان مخربی چون سرزنش، تحقیر، بازخواست، رفتارهای قهری و منفی توأم باشند، شما نخستین فردی هستید که ضمن ایجاد اضطراب برای کودک خود، او را به سمت ناهنجاری، قانون‌شکنی و تقلب هدایت کرده‌اید.

بروز احساس ترس و نبود امنیت فرد، برای فرار از شکست، او را در مسیر پراضطراب تقلب قرار می‌دهد، تا حدی که تحت‌تأثیر عوامل کاراندام‌شناختی (فیزیولوژیکی) قرار می‌گیرد و گاهی به خود آسیب می‌رساند. خروجی این فرایند باعث احساس حقارت و پنهان‌کاری می‌شود؛ زیرا تا فرد احساس کمبود و نیاز عاجزانه نداشته باشد، دست به تقلب نمی‌زند.

تقلب را به مصداق‌های گوناگونی دارد. این گستردگی باعث می‌شود همهٔ افراد خواسته یا ناخواسته با تقلب مواجه شده باشند و همین دایرهٔ وسیع مانع از این نمی‌شود که ناپسند بودن این فعل نادیده گرفته شود. رفتار غیرصادقانه و مسیری به غیر از شیوهٔ شرافتمندانه برای رسیدن به هدف، ساختمان تقلب را بنا می‌کند و برای فرار از تجربهٔ تلخ شکست و ناکامی، کوتاه‌ترین راه برای رسیدن به مقصود انتخاب می‌شود. آنچه امروز بیشتر از فعل تقلب هشداردهنده است، کم‌رنگ شدن قبح تقلب است. گستردگی این بی‌تفاوتی مقدمه‌ای می‌شود تا قوانین و مقررات به آسانی زیر پا گذاشته شوند و شکل و اندازهٔ تقلب در مسیر زمان تغییر کند و خطرناک‌تر شود. هیچ پدر یا مادری علاقه‌مند نیست فرزندش طعم شکست را بچشد. اولیا تلاش می‌کنند فرزندشان همواره در موقعیت برتر و آستانهٔ پیروزی قرار گیرد. این نگرش از سال‌های نخست زندگی به‌طور ویرانگری روحیهٔ کودک را تخریب می‌کند و به او می‌آموزد شکست‌ناپذیر و همیشه قهرمان است. به این ترتیب بستر را برای ارتکاب تقلب مهیا می‌سازد، زیرا مطالبهٔ اولیا فراتر از توان و بضاعت فرزندشان است. شکست یکی از مهم‌ترین ابزارهایی است که انسان را برای رسیدن به هدف آبدیده می‌کند. تصویرسازی تیره و تار از فرد شکست‌خورده



### نگاهت به برگه خودت باشه!

این جمله از جمله‌های خاطره‌انگیز و در عین حال دلهره‌آور جلسه‌های امتحان است که به تکرار از معلم، معاون و مدیر مدرسه شنیده‌ایم. در این جمله کوتاه چه میزان معنی نهفته است؟ این جمله بازدارنده است یا اضطراب‌آفرین؟ ضعف درسی دانش‌آموزان نسبت به محتوای امتحان را گوشزد می‌کند یا نبود امنیت از طرف والدین نسبت به نمره‌های دریافتی را به دانش‌آموز تأکید می‌کند؟ در لحظه شنیدن این جمله، دانش‌آموز به چه میزان به دانسته‌هایش بی‌اعتماد می‌شود؟ چه تعداد از دانش‌آموزان در چنین لحظه‌ای احساس قدرت می‌کنند؟ آیا دلایل برگزاری امتحان و انجام ارزشیابی و اهداف آموزشی برای دانش‌آموز به اندازه این جمله تأکیدگذاری شده است؟ پاسخ به این سؤالات نگاه را به نظام آموزشی و چگونگی اهداف آموزشی معطوف می‌دارد، زیرا دانش‌آموز و فراگیرنده به تقلب رجوع نمی‌کنند، به جز در موارد زیر:

- مهیا بودن شرایط تقلب؛
- توقعات خارج از بضاعت ولی از دانش‌آموز؛
- سهل‌انگاری آموزشی و بی‌دقتی در فرایند آموزش؛
- توسعه بیش از حد سرگرمی و فعالیت‌های غیردرسی

دانش‌آموز و اتلاف وقت و هدررفت انرژی یادگیری؛

- نپذیرفتن شکست در امتحان به دلیل ترس از والدین یا حفظ آبرو و موقعیت خویش در میان خانواده و گروه هم‌سالان؛
- بی‌توجهی به میزان اهمیت امتحان و عادت به استفاده از تقلب؛
- برتری‌طلبی و احساس شجاعت در انجام موفقیت‌آمیز تقلب؛
- راحت‌طلبی و نبود اعتماد به نفس؛
- نبود روش تربیتی صحیح در خانواده و افراد نزدیک.

معلم به‌عنوان الگوی مستقیم دانش‌آموز باید از هرگونه سهل‌انگاری و تحریک فراگیرنده به تقلب بپرهیزد. در کنار معلم، چگونگی اجرای قوانین در مورد فرد متقلب توسط مدیر و معاون مدرسه در بسط و توسعه یا پیشگیری از عمل تقلب تأثیر می‌گذارد. همچنین، رسانه ملی باید به‌عنوان مهم‌ترین موتور محرکه اجتماع، فرهنگ پرهیز از تقلب را در لایه‌های جامعه ترویج کند تا این موضوع تقلب‌کردن به‌عنوان ناهنجاری شناخته شود و عمل رنگ‌باخته تقلب دوباره احیا نشود. این مهم تعامل و مشارکت دیگر نهادها را طلب می‌کند.



برای مشاهده فیلم در خصوص این مقاله رمزینره را اسکن کنید.